



جنیفر کلمنت
دعا برای
ربوده‌شدگان

ترجمه‌ی میچکاسرمدی

- جهان‌نو -

مقدمه‌ی مترجم

جنیفر کلمنت، شاعر و نویسنده‌ی مکزیکی، تحصیلات خود را در زمینه‌ی ادبیات در پاریس و نیویورک به اتمام رساند و با نوشتن رمان *دعا برای ربه‌شده‌شدگان* موفق به دریافت دکترای افتخاری انجمن استعداد‌های ملی گردید. چندین کتاب در زمینه‌ی شعر و ادبیات به زبان‌های انگلیسی و اسپانیایی به قلم این نویسنده منتشر شده که همگی مورد توجه منتقدان و صاحب‌نظران قرار گرفته‌اند. رمان قبلی او به نام *داستانی واقعی بر پایه‌ی دروغ* در لیست اولیه‌ی جایزه‌ی ارنج قرار گرفت. کتاب حاضر اولین نوشته‌ی اوست که در امریکا به چاپ رسیده. جنیفر کلمنت اکنون در مکزیک زندگی می‌کند و رئیس انجمن پن مکزیک است. کتاب *دعا برای ربه‌شده‌شدگان* جایزه‌ی انسان‌دوستی سارا کاری در سال ۲۰۱۴ و جایزه‌ی پن - فاکتر را در سال ۲۰۱۵ از آن خود کرده است.

کلمنت می‌گوید «همیشه باور داشته‌ام ادبیات می‌تواند دنیا را تغییر دهد.»
اوچ هنر کلمنت در این داستان بازگویی یک کمدی سیاه است با جزئیاتش.
آن سوی نثر زیبا و شوخ‌طبعی خاصی که حتا تیره‌ترین قسمت‌های کتاب را دلنشین و خواندنی می‌کند، تأکید داستان بر واقعیت نفرت‌انگیز این سوی مرز است، یک بحران انسانی واقعی. این کتاب نوشته‌ای اعتراضی نیست، ما از آن طرف با گروهی قربانی فرشته‌سان هم روبه‌رو نیستیم. *دعا برای ربه‌شده‌شدگان* کتابی قدرتمند است. تنها چیز جادویی درباره‌ی این رئالیسم، اعجاز مقاومت انسانی در عمق فاجعه است.

فصل اول

مادرم سوت زد و گفت «خب حالا ما تو روزشت می‌کنیم.» دهانش آن قدر به من نزدیک بود که نفس می‌پاشید روی گردنم. بوی آبجو از دهانش می‌زد بیرون. داشتم توی آینه نگاهش می‌کردم که یک تکه زغال را روی صورتم می‌مالید. به زمزمه گفت «چه زندگی وحشتناکی.»

این اولین خاطره‌ی من از اوست. یک آینه‌ی کهنه و ترک‌خورده را گرفت جلوی صورتم. باید تقریباً پنج‌ساله بوده باشم. ترک روی آینه چهره‌ام را دوتکه نشان می‌داد. در مکزیکی بهترین چیز این است که یک دختر زشت باشی. اسم من لیدی‌دی گارسیا مارتینز^۱ است. رنگ پوست و چشم‌هایم قهوه‌ای و موهایم قهوه‌ای و فروری است.

مثل همه‌ی کسانی که می‌شناسم.

بچه که بودم مادرم عادت داشت به من لباس پسرانه بپوشاند و پسر صدایم کند. گفت «به همه گفتم پسر زاییده‌م.»

اگر دختر بودم دزدیده می‌شدم. کار قاچاقچی‌های مواد این بود که بشنوند دختر زیبایی آن دوروبر هست تا با کادیلک‌های شاسی‌بلند سیاه‌شان زمین‌های ما را بگردند و دختر را با خودشان ببرند.